

مرد نمی تواند تحت هر شرایطی از حق تمکین استفاده کند



در اسلام، حقوق متقابلی برای زن و مرد تعریف شده است، حقوقی که به دنبال آن‌ها تکالیفی نیز وجود دارد. یکی از این حقوق که به نظر مردانه است و به نوعی شائبه مردانه بودن دین را به دنبال دارد، حق تمکین است. جهت مشخص شدن ابعاد این حق دینی برای مردان و الهیاتی گفتگویی با آیت **مهرخانه** تر شدن این موضوع، روشن ابوالقاسم علیدوست از اساتید حوزه، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به بررسی ابعاد این موضوع پرداخته است.

- به طور کلی، تمکین و حق تمکین به چه معناست؟

است. تمکین دو معنا دارد؛ به معنی الاعم و به معنی در فقه، در ارتباط زوجین، حقوقی برای مرد و حقوقی نیز برای زن تعریف شده. الاخص که تفصیل آن در کتب فقهی آمده است.

اما تمکین به معنای مطلق آن به معنای ادای حقوق است؛ یعنی مرد حقوق زوجیت را ادا کند و زن هم حقوق زوجیت را ادا کند و هر دو در مقابل حقوقی که بر یکدیگر دارند، تسلیم باشند و حق و حقوق یکدیگر را ادا کنند.

- لطفاً در خصوص تمکین بالمعنی الاخص بیشتر توضیح دهید.

تمکین بالمعنی الاخص یعنی زن در حالت طبیعی در ارتباط جنسی با شوهرش مانعی ایجاد نکند؛ نه شخصاً و نه از نظر جسمی، تمیزی، مانعی برای تمتع جنسی ایجاد نکند....و

- رسد در این تعریف، بیشتر بار معنایی، به نفع مرد است. با این نظر موافقت می کنید؟ به نظر می

خیر، در بحث حقوق، سود و ضرر گرفتن غلط است. بر فرض، در بحثی مثل نفقه، غلط است بگوییم سودش به نفع زن است؛ چون مرد باید نفقه را بدهد و زن باید بگیرد.

این یک پازل است که شارع ترسیم کرده است؛ از یک طرف، وظایفی را بر دوش مرد می گذارد که موظف است انجام دهد و از طرف دیگر وظایفی را هم بر دوش زن می گذارد و می گوید مکلف است آن‌ها را انجام دهد. لذا غلط است که یک عنوان را بگیریم و بگوییم به سود کیست؛ این را باید در همان جدول یا پازلی که گفتیم معنا کنیم. آنچه مسلم است، این اتفاق و این حقوق، به سود ارتباط زوجیت است؛ یعنی در راستای استحکام خانواده است.

- این تعریف، درست است؛ اما آیا این حق به نوعی باعث محدود شدن حق آزادی زن نخواهد شد؟

فعالیت اجتماعی، بخش دیگری از موضوع است، اما تمکین شرایط خاص خود را دارد؛ یعنی شوهر نمی تواند بخواهد تحت هر شرایطی، در وضعیت غیرطبیعی، در شرایطی که برای زن عسر است، حرج است و مشکلات روحی و جسمی دارد، از این حق استفاده کند.

از طرف دیگر زن نیز می تواند با شروطی که می گذارد، این حق تمکین را محدود کند؛ یعنی این گونه نیست که این حق، جزو اصول ثابت باشد که با توافق طرفین هم از بین نرود، بلکه زن می تواند برای خود شرایطی را بگذارد که هیچ گونه فعالیت اجتماعی اش هم محدود نشود. به عبارت دیگر، این شروط و این حقوق، در حد اقتضاست؛ نه علت تام و زن می تواند با تعهدی که از شوهر می گیرد، این مانع را هم برطرف کند.

- هایی را برای حق مرد قایل ایم که محدودیت این حق را به زن هم داده شده است، یعنی در ازای حقی که به مرد داده شود؟

بله، چه در شرایطی که ضمن عقد می آید یا شرایطی باشد که ارتکازی است. از نظر ما این شرایط هم حکم شرایط متن عقد را دارد؛ یعنی

اگر به نوعی باشد که در حکم ذکر باشد، باز هم حکم شرط ضمن عقد را پیدا می‌کند.

- ممکن است این مطلب را بیشتر توضیح دهید.

فقیهان در کنار شرط‌های معروف فقهی، از شرط دیگری که گاه آن را شرط ارتکازی و گاه شرط ذکر نامیده‌اند نیز یاد می‌کنند. منظور از ها جای دارد و قرارداد راذهن آن خانه‌های طرفین معامله است که در هنگام وقوع عقد در نهان‌انگاره شرط ذکر یا ارتکازی همان پیش‌خواسته یا ناخواسته براساس آن انگاره‌ها یا مشروط به آن‌ها، منعقد می‌کنند. این انگاره‌ها برای طرفین قرارداد چنان واضح و بدیهی است که طرفین هیچ نیازی نمی‌بینند به این شرایط تصریح کنند.

به عقیده ما، ارتکازات موجود در جامعه را که عقد در فضای آن ارتکازات و براساس آن ارتکازات منعقد شده است، نمی‌توان نادیده گرفت؛ تنها چیزی که می‌تواند شرط ارتکازی را منتفی کند این است که طرفین قرارداد در هنگام عقد قرارداد خلاف آن ارتکاز را به صراحت شرط کنند. (1)

- بودن از دین‌توانیم بگوییم با توجه به این شرایط که بیان کردید و توضیحاتی که دادید، در حقیقت تصور مردانه‌می‌کم‌رنگ خواهد شد؟

شود، ساحتی مطالعه می‌رنگ، که اصلاً رنگی ندارد. مشکلی که در مطالعات اسلامی و حقوقی زنان هست، این است که تک‌نه تنها کم بودن نه‌لذا مردانه هر کس در جای خود و کاملاً عادلانه خواهد بود. طور که گفتم اگر در یک مجموعه و پازل مطالعه شود، ولی اگر همان پوررنگ است و نه کم‌رنگ.

چه‌آنست که آن شود اما آنچه از متن قرآن برداشت می‌مکن است در ادبیات یا متون ما مسلمانان، این ادبیات وجود داشته باشد، کند؛ گاهی (2) البته شکلش فرق می‌. چه برای زنان است، برای مردان نیز هست برای مردان است، برای زنان هم هست و آن بومی مرد می‌شود و گاهی بومی زن. علی‌ای حال، ما در معارف دینی اسلام، رنگ نداریم.

- کند، ناظر بر هرهای دینی که در هنگام مشکلات وجود دارد و دعوت به سازش می‌توان گفت توصیه‌بر این اساس می‌. دو طرف است و صرفاً زنانه نیست؟

دانشجویان کارشناس حقوق، همیشه به اساتید، طلاب، فضلا و ببینید من به عنوان کارشناس فقه و !نه تنها دو طرف، که کل پیکره اجتماع می‌گویم که جامعه را نمی‌توان با فقه و حقوق محض چرخاند. فقه و حقوق، ترمیم‌کننده و فصل‌الخطاب است، اما بنیان و اساس باید بر اخلاق باشد. مگر دو همسایه می‌توانند بر اساس فقه و حقوق محض کارکنند؛ یا دو کارمند و همکار؟؛ زن و مرد هم از این قاعده مستثنا نیستند. باید بنیان بر اخلاق و فطرت باشد؛ البته فصل‌الخطاب باید فقه و حقوق باشد.

- در حقیقت اخلاقیات مبنای اصلی است و تنها در جایی که به مشکل خوردیم باید به فقه یا حقوق مراجعه کنیم؟

طور است. توانیم بگوییم این می‌بله،

پی‌نوشت

1. <http://a-alidoost.ir/fa/?p=3219> تر رجوع کنید به‌برای توضیحات تکمیلی.

2. «...وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ» سوره بقره، آیه 228.